



نقش پیامبران ابراهیمی در تمدن سازی/ انبیاء؛ طلایه داران تمدن

دخیل شدن انبیا در مناسبات قدرت برای هدایت جامعه به خیر همیشه عنصری بوده است که دوگانه‌های حق و باطل را در تمدن‌ها ایجاد می‌کرده است.

دخیل شدن انبیا در مناسبات قدرت برای هدایت جامعه به خیر همیشه عنصری بوده است که دوگانه‌های حق و باطل را در تمدن‌ها ایجاد می‌کرده است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه _ روح الله عسگری: در زمینه تمدن پژوهی یکی از سوالاتی که ذهن اندیشمندان مختلف را درگیر خود کرده است مسئله عناصر مؤثر در شکل دهی یک تمدن است. عموم تمدن‌ها دارای دو سری مؤلفه انسانی شامل عدالت؛ پایداری؛ علم و … و مؤلفه‌های غیر انسانی شامل کشاورزی؛ صنعت هستند. در این یادداشت تلاش می‌شود تا نقش دین و علی‌الخصوص نقش انبیا ابراهیمی در ساخت عناصر شکل دهنده یک تمدن بررسی شود.

نقی نقش انبیا در تمدن سازی یکی از مشهورات تاریخ نگاری غربی در عصر معاصر است تا جایی که عده‌ای حتی دین را معادل رهبانیت و تمدن ستیز معرفی کرده‌اند. این در حالی است که انبیا علاوه بر بعد نظری تمدن نقش ویژه‌ای حتی در بعد فیزیکی تمدن‌های زمان خود داشته‌اند. برای نمونه حضرت ابراهیم چندین سال در مصر نجوم تدریس می‌کرد و رشد این مؤلفه در تمدن مصر از ثمرات زحمات حضرت ابراهیم است. همچنین حضرت یوسف در تمدن مصر یک تشکیلات بزرگ اداری راه انداخت و این علاوه بر تغییرات در سبک معماری و ساخت سیلو برای آن تمدن است. از طرف دیگر حضرت داوود و سلیمان هم در صنعت ریخته‌گری نقش ویژه‌ای داشتند. سخن از عدل و علم آموزی یکی از معارف تمام ادیان الهی بوده است. تمدن مدنیت متکامل و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی است. در شمار عوامل تمدن ساز موارد زیر را ذکر کرده‌اند:

۱: اراده برتر: عامل اصلی تمدن ساز وجود فکر و اراده برتر انسانی است. مسئله‌ای که انبیا با تعالیم خود به دنبال تحقق آن بوده‌اند.

۲: هجرت و مهاجرت: بیشتر تمدن‌های مهم هجرتی بزرگ در دل خود داشته‌اند. برای نمونه هجرت قوم آریایی به ایران؛ هجرت رسول خدا به مدینه و هجرت مردم اروپا به آمریکا سه نمونه از هجرت‌های تمدن ساز بشر بوده است. البته علاوه بر مهاجرت‌های تمدن ساز مسئله توجه به سرزمین‌های تمدن خیز هم بسیار مهم است. از جمله هجرت‌های مهم دیگر را پیامبران تمدن ساز ابراهیمی از جمله خود حضرت ابراهیم؛ یوسف؛ موسی و رسول گرامی اسلام داشته‌اند.

مسئله مهم بعدی پرسش از ارکان تمدن و نقش انبیا در تأمین این ارکان است. علم اولین و مهم‌ترین بعد یک تمدن تلقی شده است به گونه‌ای که در فرهنگ لاتین تمدن متضاد جهل معنا شده است. علم وحی و علم الهی مهم‌ترین مؤلفه‌ای است که انبیا برای تأمین این بعد نرم افزاری تمدن‌ها ارائه کرده‌اند. دومین رکن تمدن را نظم و قانون دانسته‌اند. شریعت مدون انبیا برنامه‌ای در راستای پوشش این رکن تمدن بوده است. امنیت از دیگر ارکان تمدن است و در گفتمان انبیا جهاد عنصری است مهم و اساسی برای تأمین این رکن از تمدن. علاوه بر این تعاون و همکاری از دیگر ارکان شکل‌گیری یک تمدن است و این در حالی است که مسئله تعاون بر خیر از آموزه‌های تأکید شده انبیا است که در قرآن آیاتی هم به آن اختصاص داده شده است. آزادی پنجمین رکنی است که برای یک تمدن ذکر شده است. طرح مسئله آزادی معنوی از سوی انبیا طرحی است که برای تأمین این لایه از تمدن پیشنهاد شده است. بنابراین ادیان در بعد نرم افزاری نه تنها تمدن ستیز نیستند بلکه خود از بزرگترین تأمین‌کنندگان لایه نرم افزاری تمدن‌ها هستند.

مدیریت سیاسی و توزیع قدرت اجتماعی یکی از مسائل مهم در تمدن است. دخیل شدن انبیا در مناسبات قدرت برای هدایت جامعه به خیر همیشه عنصری بوده است که دوگانه‌های حق و باطل را در تمدن‌ها ایجاد می‌کرده است و گرنه انبیا تا قبل از بعثت خود هم انسان‌های خوبی بوده‌اند اما دشمنی‌ها و جبهه‌بندی‌ها همیشه بعد از بعثت به علت درگیر شدن انبیا در عرصه مدیریت جامعه اتفاق می‌افتاده است. تکیه انبیا در این جدال بر دو عنصر خداوند و در طول آن مردم بوده است و در مقابل دشمنان آنان هم اشراف و صاحبان منفعت قوم که در قرآن از آنان به عنوان ملأ نام برده می‌شود بوده‌اند. سوای این درگیر شدن در مناسبات قدرت تعدادی از انبیا قدرت محرک جامعه بوده‌اند و حکومت در اختیار

آنان قرار داشته است. برای مثال حضرت یوسف؛ داوود؛ سلیمان و رسول گرامی اسلام از جمله این انبیا بوده است. مشاهده کارنامه این انبیا به خوبی نشان می دهد که دین به هیچ وجه معادل رهبانیت نیست و هرگز نمی تواند تمدن ستیز باشد چراکه خود قرین و همراه تمدن بوده است. به گواهی تاریخ عمده انبیا الهی و ادیان بزرگ در منطقه ای به وجود آمده اند که تمدن های بزرگ وجود داشته است. این خود دلیلی است مبنی بر آنکه یا این تمدن ها تحت تأثیر این ادیان ایجاد شده اند و یا مقدار زیادی از رشد خود را مرهون تلاش انبیا بوده اند. انبیا در مبارزات خود تنها دنبال هدایت فردی نبوده اند بلکه هدف اصلی گرفتن فرمان مدیریت تمدن از اشراف و سپردن آن به مظلومین از مردم بوده است. این الگوی حاکمیت مردمی پایگاهی است که انبیا از طریق آن پا در مبارزه می گذاشتند.

مسئله حاکمیت مستضعفین مهم ترین طرحی است که انبیا از قدیم در بعد سیاسی تمدن داشته اند. ساخت امت واحده و متحد از مردم که یکی از ملزومات ایجاد تمدن است از جمله کار ویژه های مهم هر پیامبر الهی بوده است. البته در میان انبیا سطح مأموریت ها متفاوت بوده است. گاهی بعضی از انبیا تنها مأمور هدایت خانواده خود بوده اند و گاهی برخی همچون یوسف نبی وارد در عرصه خزانه داری تمدن مصر شده و اصلاحات اقتصادی را از آنجا آغاز و سپس وارد سیستم توزیع ثروت و غذا در جامعه شده و آن را مدیریت می کند. در میان انبیا بنی اسرائیل پنج پیامبر الهی یعنی یوسف؛ داوود؛ سلیمان؛ موسی و رسول گرامی اسلام برنامه خود را اینچنین به صورت تمدنی ریخته اند. برای نمونه داوود نبی که خداوند در قرآن می فرماید که آهن را در دست او نرم کردیم وارد در بخش صنعتی تمدن شده و با توسعه در صنعت ریخته گری و زره بافی اقدام به تأسیس ارتشی نیرومند می کند و یا حضرت موسی با بسیج بنی اسرائیل بزرگترین مهاجرت تمدن ساز تاریخ را به سمت سرزمین موعود این قوم رقم می زند. در مثال دیگر سلیمان نبی هم با ساخت عبادتگاه مسجد الاقصی تحولی شگرف در معماری عصر خود ایجاد می کند. وی قائده حکمت را در مورد معماری به کار می گیرد و با خلق اثری همچون مسجد الاقصی تعلیمات وحی را در معماری پیاده می کند. این کار نشان می دهد که انبیا الهی از عمیق ترین لایه های انسانی تمدن تا ظاهری ترین ابعاد تمدن یعنی معماری دخل و تصرف های فراوان ایجاد کرده اند. ارا به یکی دیگر از اختراعاتی است که این نبی الهی در ساخت ارتش خود فراوان آن را به کار می گیرد. رسول گرامی اسلام هم که با هجرت تمدن ساز خود از مکه به مدینه زمینه تبدیل نهضت اسلامی به دولت و نظام اسلامی را فراهم کرد و این خود بنیانی مستحکم برای تمدن اسلامی در قرون آینده شده.